



The alignment of Da'i al-Islam's approach in teaching Persian calligraphy with Howard Gardner's theory of multiple intelligences

Soraya Panahi *¹

1. Assistant Professor, Persian Language and Literature Academy, Tehran, Iran.

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Myth is a type of ancient cosmology that is based on the knowledge and thought of humans who want to know themselves and the world. Myths of every nation show the values, norms and perceptions that evolve and change over time. But they do not deteriorate. Looking at mythological images and paintings, the presence of human-animal myths and the sanctity of mythical animals is evident. One of the common themes among the myths of nations is the sanctification of animals, including "cows". As the first mythological animal, the cow is of special importance. "Cow" has appeared in Indo-European mythology as a mythical creature with a face and a positive and negative meaning, traces of it are evident in many mythologies of nations. In this descriptive-analytical article, an attempt is made to examine "cow" as a myth in the nations of Iran, Greece and other lands, and its existential angles and dimensions according to the differences and similarities between them. The obtained results show that this animal, both from the point of view of the main myth and as a complementary animal of the myth, has two attributes of femininity/maternity with the attribute of birth and fertility and the attribute of authority and power. The four virtues of motherhood/animality, sanctity, authority and ferocity are evident in this common myth with other nations. By rooting and understanding the background, the main secret of the myth of the cow can be found in the life of the first human who was engaged in animal husbandry and agriculture. Keywords: cow myth, comparative mythology, mythological self-care, mythological animals
Received: 18/09/2023	
Accepted: 26/02/2024	

Cite this article: Panahi, Soraya. (2023). The alignment of Da'i al-Islam's approach in teaching Persian calligraphy with Howard Gardner's theory of multiple intelligences, *Interdisciplinary research in Persian Language and literature, Vol. 2, New Series, No.1, Spring and summer 2023*: pages:201-234.

DOI: 10.30479/IRPLI.2024.19345.1112



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Soraya Panahi

Address: Assistant Professor, Persian Language and Literature Academy, Tehran, Iran

E-mail: panahi.soraya@gmail.com



همسویی رویکرد داعی‌الاسلام در آموزش خط فارسی با نظریه هوش‌های چندگانه

هوارد گاردنر

ثریا پناهی*

۱. استادیار فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

در این مقاله موضوع خط فارسی و هنر خوش‌نویسی، با رویکردی آموزشی و روان‌شناختی-تربیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نکته مهم و مسئله اصلی، خط فارسی و آموزش آن است. در پژوهش حاضر، ضرورت آموزش خط آسان‌نسخ به دانش‌آموزان دوران ابتدایی با نگاهی به رساله خط داعی و کاربرد قلم‌نسخ در حروف‌نگاری برخی کتاب‌ها، به‌ویژه در حوزه آموزش پیشنهاد شده است. رساله خط داعی تألیف سید محمدعلی داعی‌الاسلام (۱۲۵۵-۱۳۳۰ ش) تاکنون به چاپ امروزی نرسیده و دو نسخه از چاپ سنگی آن در این نوشته، مبنای بررسی بوده است؛ داعی‌الاسلام با رویکردی تربیتی و روان‌شناختی، هنگام آموزش خط فارسی به فرزندش، به این نتیجه رسیده بود که آموزش خط‌نسخ یا نستعلیق به‌مراتب آسان‌تر و ذهن‌نشین‌تر از سایر خط‌ها است؛ و چه‌بسا در حروف‌نگاری و طبع نیز کاربردی‌تر باشد.

نگارنده، در این مقاله، به پشتوانه رویکردی روان‌شناختی بر اساس نظریه «هوش چندگانه» هوارد گاردنر و برخی پژوهش‌هایی که بر مبنای آن انجام گرفته است؛ ضمن اشاره به پژوهش‌های صورت گرفته در موضوع نوع خط کاربردی برای آموزش مبتدیان، کاربرد خط‌نسخ در قلمرو آموزش و حروف‌نگاری متون آموزشی به‌نوعی را به‌جای خط‌های هنری و خاص خطاطی و خوش‌نویسی سودمند می‌داند.

کلمات کلیدی: خط فارسی، نسخ، نستعلیق، خوش‌نویسی، داعی‌الاسلام، گاردنر، روان‌شناسی.

استناد: پناهی، ثریا. (۱۴۰۲). همسویی رویکرد داعی‌الاسلام در آموزش خط فارسی با نظریه هوش‌های چندگانه. هوارد گاردنر، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال دوم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲: ۲۱۱-۲۳۱.



DOI: 10.30479/IRPLI.2024.19345.1112

حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

در نامه فرهنگستان شماره ۳۹، خطابه‌ای از سید محمد داعی‌الاسلام، با عنوان «خط لاتین برای فارسی» که به صورت سنگی در سال ۱۳۴۷ ق چاپ شده بود، در تحریری تازه به چاپ رسید (داعی‌الاسلام [۱۳۸۷ش]: ۱۶۹-۱۸۵). مطالعه ایده و نگاه خلاقانه و پژوهش‌مدارانه دانشوری ایران‌دوست و پرکار مانند داعی‌الاسلام (مؤلف فرهنگ نظام) که همواره دغدغه مسائل زبان فارسی را داشته، درخور توجه بوده است. رساله نظرگیر دیگر ایشان، خط داعی است که برای زمان خود، سال ۱۳۱۲ خورشیدی، اثری بدیع با رویکردی نوین و کاربردی در زمینه آموزش خط فارسی به مبتدیان و زبان‌آموزان به‌شمار می‌آید؛ این ادیب و پژوهشگر ایرانی مقیم هند، در حیدرآباد دکن، رساله خود را به چاپ رساند؛ این رساله تاکنون ناشناخته مانده و معرفی نشده است. مسئله خط فارسی از دغدغه‌های بسیاری از ادیبان و محققان از آغاز سده چهارده خورشیدی در ایران نیز بوده است؛ و از میان پژوهش‌های امروزی، نتیجه تحقیق میدانی حیدر قمری با عنوان «ارزشیابی خط کتاب فارسی اول دبستان»، به تحقیق رساله خط داعی نزدیک است. از جمله دستاوردهای او ناکارآمدی همزمان سه خط تحریری، نسخ و شبه نستعلیق برای پایه اول در خواندن و نوشتن بوده است. قمری بر اساس این پژوهش، خط نسخ را به دلیل آسانی و سادگی آن به‌تنهایی برای این پایه مناسب و مرجح دانسته است (قمری، ۱۳۹۴: ص ۱۴۱-۱۷۲). پژوهش ایشان با رساله خط داعی مرتبط و همسو است و می‌تواند تأییدی بر رویکرد علمی و درخور توجه پژوهش داعی‌الاسلام باشد. به‌لحاظ توجه به دیدگاه‌های روان‌شناسی نیز تحقیق محمدحسن امیرتیموری (۱۳۹۲) با عنوان «نظریه هوش‌های چندگانه و برنامه درسی» و پژوهش اصغر صدر امیرجانلو (۱۳۸۱)، «کاستی‌های خط فارسی و پیامدهای آن در آموزش زبان فارسی» و پژوهش سعید رحیمی و منصوره فضیلتی (۱۳۹۵) با عنوان «کاربست نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری» نیز همسویی و توافق این پژوهش‌ها را که صبغه آموزشی و روان‌شناختی دارند، نشان می‌دهد.

۱. سؤال و هدف

سؤال مطرح در این بررسی این است که پژوهش داعی‌الاسلام و پیشنهاد او در تحقیقات امروزی چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ و هدف از تألیف این مقاله، ضمن احیای گلچینی از دیرینه‌های حوزه شبه قاره، تبیین این نکته است که بر اساس پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای انجام گرفته و نیز با اتکا به نظریه «هوش‌های چندگانه در خواندن و نوشتن» (*The Multiple Intelligence*) (Howard Gardner, 1983) به نظر می‌رسد که در تحقیقات امروزی حوزه مسائل تربیتی و آموزشی نقشی مهم و کاربردی دارد؛ یعنی با توجه به تأکیدی که داعی‌الاسلام در اتکا به حوزه روان‌شناسی در زمینه تدریس به کودکان مطرح می‌سازد، در تحقیقات امروزی مثلاً اصغر صدر امیرجانلو (۱۳۸۱) در پژوهش خود («کاستی‌های خط فارسی و پیامدهای آن در آموزش زبان فارسی») برای رفع کاستی‌های آموزش خط فارسی، به‌کارگیری خط نسخ ساده و کاربرد علائم زیروزبر (اعراب) را برای دانش‌آموزان مبتدی پیشنهاد کرده و ضروری دانسته است (ص ۳۹۴)؛ و یا در پژوهش حیدر قمری کاربرد خط نسخ در حروف‌نگاری کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی توصیه‌ای بجا و کاربردی بوده است؛ و بهتر است آموزش خط‌های خاص خوش‌نویسی به سطوح بالاتر موکول گردد و خط / قلم (font)‌های مورد استفاده در کلاس درس و حروف‌نگاری کتاب‌های درسی آغازین، همان «نسخ» ساده باشد (۱۳۹۳: ۴۰۸-۳۹۳). از تغییر رویکردهای آموزشی و توجه به دستاوردهای روان‌شناسی خبر دارد.

۲. پیشینه مطالعات

پیشینه‌ای مختصر و فهرست‌گونه از مطالعات پیش‌قراولان درباره اصلاح خط فارسی و آموزش آن در اینجا طرح می‌شود: در ۱۳۲۲ش احمد بهمنیار از اعضای فرهنگستان ایران، خطابه خود را با عنوان *املائی فارسی*، بر اساس بند دوازدهم از ماده دوم اساسنامه فرهنگستان (مطالعه در اصلاح خط فارسی) درباره املائی فارسی و طرز نوشتن کلمات مورد تردید، با پیشنهاد چند قاعده ارائه کرده است (بهمنیار، ۱۳۲۲: ۴۳) که آن را می‌توان طلیعه آغاز مطالعات و تحقیقات در زمینه مسائل خط فارسی دانست؛ بعدها سلیم نیساری، نیز در مقاله‌ای با عنوان «تاریخچه کاربرد اصطلاح دستورخط فارسی»، به طرح وزارت فرهنگ برای خط و املائی فارسی مورخ بیست‌ونهم بهمن هزار و سیصد و چهل‌ودو خورشیدی با عنوان «شیوه خط فارسی» اشاره کرده است (نیساری، ۱۳۹۲: ص ۷۵). در این فاصله تا به امروز، نوشته‌هایی بسیار، در قالب مقاله و کتاب

درباره جنبه‌های مختلف مسائل خط فارسی از جمله اصلاح و تغییر خط پیشنهاد شده که در قالب مقاله‌هایی متعدد تألیف گردیده است. به‌طورمثال برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

«نظری به خط خوش فارسی» (محمدحسن سمسار ۱۳۴۷ش)؛ «خط فارسی» (عبدالله فرادی، ۱۳۴۸ش)؛ «تجلیات هنری خط زیبای فارسی و یادی از خوش‌نویسان یک خاندان کهن سال ایرانی» (حسین نراقی، ۱۳۴۹ش)؛ «شیوه خط فارسی برای کتاب‌های درسی و انتشارات آموزشی» (جعفرشعار، مصطفی مقربی، ایرج جهانشاهی، اسماعیل سعادت، محمدحقوقی، غلامرضا ارژنگ و همکاران، ۱۳۵۶ش)؛ «دشواری‌های زبان فارسی با کامپیوتر» (محمدصنعتی، ۱۳۷۱ش)؛ «لزوم بازنگری در شیوه نگارش خط فارسی» (کریم امامی، ۱۳۷۱ش)؛ «بررسی تشدید از دید علمی و حل یک مشکل املائی در زبان فارسی» (تقی وحیدیان کامیار، ۱۳۷۲ش)؛ «زبان و خط ما» (جلال متینی، ۱۳۷۴ش)؛ «درباره تغییر خط فارسی» (عبدالله هادی، ۱۳۷۴ش)؛ «یک اقدام لازم برای یکسان‌شدن شیوه ویرایش کتاب‌های درسی» (ایرج کابلی، ۱۳۷۴ش)؛ «شیوه خط فارسی (مصطفی مقربی، ۱۳۷۵ش)؛ «چند پیشنهاد دیگر برای اصلاح خط فارسی، سرهم‌نویسی و جدانویسی» (داریوش آشوری، ۱۳۷۵ش)؛ «نقدی بر رسم‌الخط کتاب‌های درسی» (محمد شهری، ۱۳۷۶ش)؛ «کاستی‌های خط فارسی و پیامدهای آن در آموزش زبان فارسی» (اصغر صدر امیرجانلو، ۱۳۸۱ش)؛ «شیوه خط فارسی» (هرمز همایون‌پور، ۱۳۸۵ش)؛ «مشکل پیوسته‌نویسی و امتیاز نزدیک‌نویسی در املائی ترکیبات فارسی» (رضا روحانی، ۱۳۸۹ش)؛ «یای میانجی در رسم‌الخط فارسی» (حسن ستایش، ۱۳۸۹ش) و درنهایت دستورخط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی فصل‌الخطابی در این زمینه بوده است.

۳. مبانی نظری

یکی از رویکردهای موفق امروزی به‌ویژه در زمینه آموزش به دانش‌آموزان، مدل یا نظریه هوش چندگانه هوارد گاردنر، روان‌شناس شناختی است. او در نظریه خود، درباره مفهوم هوش می‌گوید، این‌که بپذیریم ظرفیت و بهره هوشی به‌طور خالص قابل‌اندازه‌گیری است، اشتباه و کاملاً خطا است؛ و آن را مجموعه‌ای از توانایی‌های متعدد معرفی می‌کند؛ هوش‌های متعدد نظیر زبانی-کلامی، جنبشی-حرکتی، دیداری-فضایی، موسیقایی، منطقی-ریاضی، درون‌فردی، میان‌فردی، و هوش طبیعت‌گرایی. او دیدگاه‌های سنتی درباره هوش را نیاز به اصلاح و تحول می‌داند. طبق این نظریه میزان این توانایی‌ها در افراد مختلف متفاوت است و در همه به یک میزان توسعه نیافته

است. توماس آرمسترانگ (Tomas Armstrong) موردی را مثال می‌زند درباره کودکی پنج‌ساله، که در سطحی پیشرفته نقاشی می‌کشد؛ اما ممکن است به واسطه اختلال اوتیسم به لحاظ اجتماعی آسیب‌پذیر باشد؛ چون در این اختلال احتمال دارد که فرایند ارتباطات کلامی-زبانی نیز، دچار اختلال و صدمه‌هایی شده باشد (۲۰۰۳: ۱۲-۱۳). این نظریه مبنا و پشتوانه نظری تحقیقات بسیاری در ایران و در حوزه آموزش و یادگیری بوده است؛ نظیر پژوهش سعید رحیمی و منصوره فضیلتی (۱۳۹۵) با عنوان «کاربست نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری» و تحقیق محمدحسن امیرتیموری با عنوان «نظریه هوش‌های چندگانه و برنامه درسی» و فهیمه رنجبری و همکاران (۱۳۹۲) که در طرح «اثربخشی آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه گاردنر بر میزان خطاهای املا دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری پایه سوم ابتدایی شهر اصفهان به تحقیق پرداختند.

۴. طرح موضوع

داعی‌الاسلام نویسنده فرهنگ نظام یکی از ادبا، ایران‌شناسان و مروجان زبان فارسی و مقیم شبه‌قاره هند بود؛ او به زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، سنسکریت و عبری اشراف داشت. او در اداره معارف حیدرآباد دکن هند، سلسله خطابه‌هایی در زمینه خط فارسی نیز ایراد کرده بود، از جمله خط داعی‌الاسلام، عنوان رساله مورد بحث، که در ۱۳۱۲ خورشیدی به چاپ رسید؛ یعنی داعی‌الاسلام همزمان با پژوهش درباره خط فارسی که در آن زمان در ایران و در فرهنگستان اول به آن پرداخته می‌شد، در حیدرآباد دکن، او سرگرم تحقیق در همین زمینه بود؛ داعی‌الاسلام رساله خود را با این بحث آغاز می‌کند که باید قدر دان خط فارسی باشیم. باینکه خود او رساله‌ای نیز پیش‌تر درباره تغییر خط فارسی به خط لاتین را تألیف کرده بود؛ اما درحین آموزش خط فارسی به دخترش به این نتیجه رسیده بود که اگر فقط نوع خط آموزشی ساده مانند خط نسخ یا نستعلیق باشد و آموزش در قالب خط‌های هنری خوش‌نویس صورت نگیرد، اقبال به سوادآموزی و مطالعه نیز بیشتر می‌گردد. او در ادامه رساله به تاریخچه خط و سپس شیوه آموزش و الگوی پیشنهادی خود می‌پردازد.

تلخیصی از تحریر امروزی این خطابه به شرح زیر درج می‌گردد. سپس با نگاهی به تحقیقات امروزی موضوع رساله داعی‌الاسلام و همسویی با دیدگاه گاردنر و پژوهش‌های نوین مطرح و بررسی می‌شود:

۱-۴. تلخیصی از رساله خط داعی^۱

«بعدالحمد والصلوات چنین گوید احقر سید محمدعلی (داعی‌الاسلام) مؤلف فرهنگ نظام که در چندسال قبل خطابه خط لاتین برای فارسی را نشر دادم و در آن رای دادم که نباید خط امروز فارسی را به خط لاتین تبدیل کرد، بلکه همین خط را باید طوری اصلاح کرد که آموختن و چاپ کردنش آسان باشد و بتواند حامل علوم باشد. از آن وقت در طریق اصلاح آن فکر می‌کردم و آخر مصمم شدم در خطوط اصلیه قدیم، یعنی عبرانی و لاتین و یونانی و سنسکریت و کوفی، تفحصاتی کرده و اصول علمی وضع و ترکیبات آن‌ها را به دست آورم تا راهی برای اصلاح خط فارسی به دست آوردم. تعجب می‌فرمایید که بعد از جستن اصول تشکیل آنها فهمیدم که خط امروز ما علمی‌ترین و ساده‌ترین و آسان‌ترین خط موجود دنیا است و هیچ محتاج به اصلاح اساسی نیست که با ساختن سی‌چهل تکه حروف می‌شود هر کتابی را چاپ کرد، فقط باید اساس علمی اولش را مراعات کرد و دست از نقاشی و تصرفات بعد برداشت، مثلاً در خط امروز اگر بخواهید این لفظ سه حرفی (ح ج ج) را بنویسید باید حرف اول (ح) را بر حرف دوم (ج) سوار بکنید و حرف دوم را هم بر حرف سوم (ج) سوار بکنید و این‌طور **حجج** بنویسید که درواقع مثل خط چینی می‌شود که از بالا به پایین می‌آید. امروز ما این‌طور می‌پسندیم و اگر سه حرف مذکور را بدون سواری پهلوی هم این‌طور **حجج** بنویسد به نظر ما بد است اما اگر به کسی که مانوس به خط امروزی شما نباشد نشان بدهید دوم را بهتر از اول می‌پسندد. به دختر پنج‌ساله خودم نوشتن می‌آموختم **حجج** را در حروف مقطعه (ح ج ج) نوشتم و به او دادم مرکب بکند؛ گفتم هر حرف را بر دیگری سوار کن. گفتم حرف دوم خسته می‌شود که اول بر آن سوار باشد، گفتم خودت چه‌طور می‌خواهی مرکب بکنی، گفتم جیم کوچک را پهلوی ح (کوچک) می‌نویسم و جیم کوچک دوم را هم پهلوی جیم اول و این‌طور **حجج** نوشت. درواقع دماغ ساده بچه از خط پیچ‌درپیچ ما رم کرد.

خصوصیات خطوط رایج امروز ما یعنی ثلث و نسخ و نستعلیق و شکسته سه چیز است:

۱. سواری که یک حرف بر حرف دیگر سوار باشد که در ثلث و نسخ کم است و در نستعلیق و شکسته بسیار. مثلاً این جمله را ببینید "**حجج** اسلام کار **حجج** کردند" که در لفظ **حجج** و **حجج** چه‌طور حروف بر همدیگر سوارند که اگر بدون سواری بنویسم این‌طور "**حجج صحیح**" می‌شود. آن وقت آن نقاشی که امروز پسند ما است از آن دو لفظ فوت می‌شود.

۲. **تکیه** که یک حرف بر حرف دیگر تکیه بدهد یا سرحرفی به ته خودش تکیه بدهد تا موافق اصول نقاشی قشنگ به نظر بیاید. باز همان جمله را ببینید "حج اسلام کار صحیحی کردند" در لفظ اسلام سر سین بالاست و تنش پایین که به لام تکیه داده و لام هم به الف تکیه داده و در لفظ کا که در ابتدا کاف کوچک و الف پهلوی هم و در عرض هم (کا) بودند. در خط ما اول کاف را به طرف الف قدری تکیه دادند و این طور کا نوشتند و بعد کاف را به کلی روی الف انداخته این طور "کا" ساختند.

۳) واضعان خط کوفی دانایان بودند و هر حرفی را دو قسم قرار دادند که در انفراد و آخر کلمه تمام نوشته شود و در اول و وسط فقط سر آن نوشته شود. وقتی که دماغ ایرانی صنعت نقاشی را در خط آورد در ترکیب حروف محتاج به افزایش به بعضی حروف شد. مثلاً در جمله مذکوره بر حرف صاد یک دندان اضافه کردیم. صاد تنها (ص) دارای یک سر و یک نیم‌دایره است و در حال ترکیب که نیم‌دایره حذف می‌شود باید سر صاد (ص) نوشته شود اما در ترکیب یک دندان اضافه می‌کنیم و این طور (ص) می‌نویسیم مثل صحیح و صد و صاد و امثال آنها. حالا اگر ما جمله مذکوره را بدون سواری و تکیه و افزایش در نستعلیق بنویسم این طور می‌شود: "حج اسلام کار صحیحی کردند"؛ و در نسخ این طور "حج اسلام کار صحیحی کردند"؛ اما عیبی که پیدا می‌کند این است که نقاشی‌اش کم است و بدتر از همه به آن مأنوس نیستیم و بدمان می‌آید. پس علاج این است که اگر خط داعی برای آموختن اطفال و غیر اهل زبان آسان‌تر باشد نه یک مقابل و ده مقابل بلکه پنجاه مقابل آسان‌تر باشد آن را برای آموختن مبتدی می‌گیریم و اگر برای طبع هم پنجاه مقابل آسان‌تر باشد برای طبع هم می‌گیریم و خط امروز خودمان را برای نوشتن با دست و طبع سنگی نگاه می‌داریم. داعی به شما اطمینان می‌دهد که طفل شما با خط داعی در یک ماه خوانا و نویسا بشود و بعد بتواند خط امروز شما را هم بی‌زحمت بخواند و شما بتوانید هر کتابی را با سی‌چهل تکه حرف سربی چاپ بکنید به شرطی که شما این رساله را تا آخر با دقت و نظر انصاف بخوانید. داعی در ادامه برای نمونه ابیاتی از دو غزل را به خط نستعلیق و سپس نسخ درج می‌کند:

(نستعلیق)

چِه ضَبَطِ گَرِیهِ کُنْمِ نَزْدِ دِلِستَانِ خوارِمِ

چِگونِه خونِ نَخورِمِ عَشِقِ را نَمَکِخوارِمِ

نَدادِه جانِ بَتو از رُوِ رُوِیِ تُو رَفْتَمِ

نَشْرَمَ باز چَسان رو بروی تُو آرمَ

تُو را بهدِ بیَنَمَ و گَرِیَمَ نِهَمَ بِپایَتِ رُخِ

کُنَمَ نثارِ تُو جان این یک آرزو دارمَ

(نسخ)

خَجَلِ زِ آشکَمَ و بَرِچَشَمَ آستینِ دارمَ

ز بَخْتِ بَدِ چِه کُنَمَ دَلبَری چَنین دارمَ

ز داغِ های دَلَمِ گَرَنَه آگَهی بِنِگَر

ز سَجَدِهه دَرِ تُو دَاغِ بَرَجَبینِ دارمَ

بیادگیسو و روی تو دَرِ چَمَنِ هَرِ روز

بِه لآلِه دیدِهه و دَرِ دَسْتِ یاسمینِ دارمَ

۲-۴. طریق آموختن خط داعی

به مبتدی اول حروف تهجی بزرگ را بیاموزید که این است:

ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی (۳۲ حرف) و بعد زبر و زیر و پیش را بیاموزید. آن‌گاه حالی کنید که بعضی از سی و دو حرف مذکور در حال تنهایی و ترکیب تغییر نمی‌کنند و بعضی تغییر می‌کنند که در حال ترکیب فقط سر آن‌ها نوشته می‌شود و در آن صورت آن‌ها را حروف کوچک می‌گوییم که اینها است: ا ب پ ت ث ج چ ح خ س ش ص ض ع غ ف ق ک گ ل ن ی. که مجموع بیست و دو حرف کوچک است و باید به معلم فهماند که الف در وسط و آخر گاهی به این شکل "ء" می‌شود و یای کوچک مثل با کوچک نوشته می‌شود با دو نقطه در زیر. برای میم من این شکل م را اختیار کردم که در انفراد و ترکیب فرق نمی‌کند و برای هاء یک ه (دو چشمی) کافی است. به مبتدی پنج قسم‌ها (ه ه ه ه ه) آموختن لغو است. بعد از آموختن حروف بزرگ و کوچک باید املائی کلمات به معلم داد. به او بگویید بنویسد بد به این‌طور بنویس: ب کوچک، می‌نویسد، به دال متصل بکن، می‌نویسد بد. خوب را این‌طور بنویس: خ کوچک، می‌نویسد، خد او متصل بکن، می‌نویسد، خوب بزرگ تنها، می‌نویسد، خوب می‌شود. همین‌طور هر کلمه و حرفی باشد یا بیشتر به املائی شما می‌نویسد و به این‌طور که شما املا بکنید در مدت چندروز مبتدی می‌تواند خط داعی را

بنویسد و بخواند که از روی اساس علمی است و، در همان اول تعلم، دماغ متعلم را حاضر برای علوم آینده می‌کند. برای آموختن خط داعی و نوشتن آن یک ماه کافی است در حالتی که مغز مبتدی هم محفوظ می‌ماند و بعد می‌توانید به آسانی طوری که در جمله "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" کار صحیحی کردند"، شرح دادم به متعلم خصوصیات سه‌گانه خط امروز ما را بیاموزید که هیچ‌بار، بر دماغش نشود؛ اما اگر بخواهید از اول خط امروزی را در قریب صد و پنجاه شکلش بیاموزید که با ابتدا چند شکل نوشته می‌شود و با وسط چند شکل و با آخر چند شکل. یقین بدانید که دماغ مبتدی را خصوصاً اگر طفل باشد فاسد کرده از علم بیزار کرده‌اید از این جهت بوده که با اینکه تعلیم همیشه در ایران عمومی بوده علم عمومی نمی‌شده در هر محله و هر ده علاوه بر خانه آخوندها و پیرزن‌ها هم مسجد هم مکتب‌خانه بوده، اما اطفالی که در این مکتب‌ها می‌رفتند در صد معدودی خوانا و نویسا می‌شدند و باقی با دماغ فاسد و بی‌زاری از علم بیرون می‌آمدند که همان فساد دماغ اثر در زندگی معاشی آینده آن‌ها هم می‌کرد. خط امروز ما به قدری مشکل و بی‌اصول علمی و غیرطبیعی است که پدر مبتدی را درمی‌آورد و اگر طفل باشد بدون ترساندن و اجبار و ممارست نمی‌تواند بیاموزد که تمام مخالف پسیکولوجی [psychology] است. ابتدای تعلیم طفل باید طوری باشد که هیچ نفهمد درس می‌خواند [۹]. اگر شما بخواهید با خط داعی طفل عزیز خودتان را باسواد بکنید هر یک از حروف تهجی بزرگ و کوچک را بر پاره تخته قشنگی بنویسید و بدهید بچه با آن تخته‌ها خانه و دیوار و هر چه می‌خواهد بروی هم گذاشتن تخته‌ها بسازد و در آن ضمن، حروف را یاد بگیرد و بعد او را ببرید به املائی ترکیب حروف و نوشتن نام خود و پدر و مادر و عزیزان دیگر او و هر چه می‌نویسد انعامی از جنس شیرینی یا میوه یا اسباب‌بازی و لباس و غیر آنها از شما بگیرد یا اینکه به عدد حروف تهجی شیرینی بگیرید و بر هر یک یک تکه کاغذ چسبانده یک حرف تهجی بر آن بنویسید و هر یک را به شرطی به بچه بدهید که شکل و نام آن حرف را یاد بگیرد و روی لوح یا کاغذ بنویسد و چون بچه حروف تهجی را یاد گرفت شیرینی‌های حروف تهجی دار نزد او بگذارید و بگویید هر حرفی که من می‌گویم اگر از میان شیرینی‌ها پیدا بکنی مال خودت. به آن‌طور بچه حروف‌شناس می‌شود بدون آنکه باری به مغزش وارد آید. اطفال بالاتر از شش سال می‌توانند در مدت یک ماه اگر روزی دو سه ساعت کار کنند در خط داعی خوانا و نویسا شوند و کمتر از شش سال بیش از یک ماه وقت می‌خواهند، چه قوای دماغی آن‌ها مستحکم نیست. اصول تعلیم خط داعی را من به آدم هر عمری آموختم به بچه پنج‌ساله و به آدم هفتادساله

هر دو آسان بوده و شوق‌آور. شما هم به اطفال و بستگان بی‌سواد خودتان بیاموزید و چون به مقصود رسیدید یک کاغذ تشکر به من بنویسید. کاری کردم که تمام سکنه یک ملک می‌توانند بی‌زحمت باسواد بشوند و قابل این شدم که اهل هر مذهب ایران و عرب و هند برای من در معبد خود دعا بکنند. اگر می‌خواهید این ادعای مرا تکذیب بکنید اول تا آخر این رساله را بخوانید.

۳-۴. آسانی طبع خط داعی

خط داعی که نمونه‌اش را در دو غزل مذکور دیدید با سی و چهار تکه سربی چاپ می‌شود و از آن سی و چهار تکه بیست و شش تا حرف است و سه تکه برای نقطه (یک نقطه، دو نقطه، سه نقطه) و پنج تکه برای مد و زیر و زبر و پیش و دو زیر و تشدید که مجموع سی و چهار می‌شود. برای زیر و زیر یک شکل کافی است که اگر در بالا گذاشته شود زیر می‌شود و اگر زیر شکل حرف گذاشته شود زیر می‌شود تکه‌های حروف این است:

ا (۱) ء (۲) ب (۳) ب (۴) ح (۵) - (۶) د (۷) ر (۸) س (۹) سه (۱۰) ص (۱۱) صد (۱۲) ط (۱۳) ع (۱۴) ء (۱۵) ف (۱۶) هـ (۱۷) ک (۱۸) ک (۱۹) ل (۲۰) ل (۲۱) م (۲۲) ن (۲۳) و (۲۴) هـ (۲۵) ی (۲۶).

برای **گاف** شکل مخصوص لازم نیست بلکه شکل همزه بالای **کاف**، **گاف** می‌سازد. مثلاً اگر بخواهید لفظ چهار مرکب بکنید حرف ششم را بگیرید و تکه سه نقطه را زیرش بگذارید و حرف بیست و پنجم را پهلویش بگذارید و بعد **الف** را پهلویش و بعد یک ورق نازک سرب ساده و بعد تکه حرف **راء**، و اگر خواستید لفظ هشت را چاپ کنید حرف بیست و پنجم و دهم و سوم را پهلوی هم بگذارید و تکه سه نقطه‌ای را بالای حرف دوم لفظ و دو نقطه‌ای را بالای حرف سوم آن لفظ (هشت) بیرون می‌آید؛ اگر حروفی که می‌سازید از روی حروف نستعلیق باشد که خط نستعلیق بیرون می‌آید و اگر نسخ، نسخ بیرون می‌آید. حرف **ق** را من حذف کردم برای اینکه اگر بالای **فا** (**ف**) دو نقطه بگذارید **قاف** می‌شود و در خط امروز هم در بعضی موارد **فا** و **قاف** یک‌طور نوشته می‌شوند و تمیز به نقطه است مثل فاسق و قاشق.

خط نسخ امروز ما از چهارصد تکه سربی چاپ می‌شود و خط نستعلیق که برای دولت دکن یک دماغ عالی ایرانی ساخته از پانصد و پنجاه تکه چاپ می‌شود و اگر بخواهیم برای نستعلیق میرعماد که مثل زلف یار هزار پیچ و تاب دارد حروف بسازیم بیش از هزار تکه لازم است آن هم

بی‌اعراب. حالا تفاوت را ببینید که در خط داعی نسخ یا نستعلیق با سی و چهار تکه معرب چاپ می‌شود. اگر بگویید خط داعی قشنگ نیست و نقاشی ندارد اولاً قبول ندارم چه اگر همین خط داعی را یک خوش‌نویس خوب ایرانی بنویسد قشنگ می‌شود و تا درجه‌ای نقاشی پیدا می‌کند و جهت قشنگ نبودن مانوس نبودن شما است. خطوط امروز ما را هم در هر زمان طوری می‌نوشتند و همان را می‌پسندیدند که شما امروز نمی‌پسندید. نسخ هر قرن طور مخصوصی بوده همچنین نستعلیق و شکسته و خطوط دیگر و نوشته هر قرنی از ابتدای اسلام تا حال نزد من موجود است همه را باهم مقابله کردم. من هر زبانی را که آموختم در ابتدا خط آن به نظر من خیلی بد آمد و بعد از آموختن خیلی قشنگ جلوه کرد. حتی از خط اردو که خوش‌نویسی‌اش با خط ایران فرق دارد، در ابتدا بدم می‌آمد و حالا خوشم می‌آید. وقتی که شروع به زبان سنسکریت کردم خطش به‌نظرم خرچنگ و قورباغه بود حالا می‌بینم خط قشنگی است.

۴-۴. تشکیل خط کوفی

خطوط ما یازده قسم است که بعضی متروک و بعضی کم استعمال و بعضی هم زیاد استعمال می‌شود. (۱) کوفی (۲) ثلث (۳) نسخ (۴) محقق (۵) ریحان (۶) توقیع (۷) رقع (۸) تعلیق (۹) نستعلیق (۱۰) شکسته (۱۱) تحریری. اکنون نسخ و نستعلیق و شکسته و تحریری رایج است. تمام ده خط دیگر از کوفی گرفته شده و کوفی از خط عبرانی. اگر الفبای عبرانی را با کوفی مقابله کنید می‌بینید که دوم از اول چه‌طور اخذ شده مثلاً **نون** عبرانی این است (n) و **نون** کوفی این (n) و **فا** عبرانی این است (f) و **فا** کوفی این (f) اما سازندگان کوفی دانایی خوبی به خرج دادند که برای چند حرف یک شکل ساختند که با یک علامت (ـ) کوچک (که در خطوط دیگر بعد نقطه شده) حرف دیگر خوانده شود، مثلاً در عبرانی برای **جیم** و **حا** و **خا** هر یک شکل علی‌حده بوده (n) و در کوفی یک شکل با یک علامت کوچک برای **جیم** و **خ** (ح) حالا این کار برای آموختن مبتدی چه‌اندازه آسانی آورد و برای طبع امروز ما آسان شد که یک شکل بسازیم و با اختلاف نقطه از آن چند شکل دیگر بیرون بیاوریم اما حیف که ما قدر آن نعمت را ندانستیم و به‌جای آنکه چند حرف را به یک شکل بنویسیم و تمیز با نقطه باشد، یک حرف را به چندین شکل درآوردیم که امروزی متعلم خط ما باید برای هر حرف چندین شکل حفظ کند و معلم ابتدایی از آن مظلوم بپرسد **با** اول چند شکل نوشته می‌شود و **با** وسط چند شکل و **با** آخر چند

شکل و بعداز آن که هشت شکل برای با حفظ کرد، تازه اول اشکال است که هر شکلی در کجا و چه لفظی نوشته می‌شود و اگر مغزش رم نکرد و توانست بفهمد که هر شکلی در چه لفظ نوشته شود تازه می‌فهمد که هر نویسنده حرف با را به شکل‌هایی می‌نویسد که غیر از آن هشت قسم است. آفرین بر عقل ما که علم را فدای نقاشی کردیم. مخترعان خط کوفی اصول ترکیب را مثل خط داعی ساده گذاشتند که بعضی حروف در ترکیب تغییر نکنند و بعضی دیگر فقط سرشان نوشته شود پس برای نشان دادن ترکیب ساده تمام حروف را در جمل ابجدی آوردند و از یادگرفتن جمل ابجدی مبتدی اصول ترکیب حروف را یاد می‌گرفت و بعد هرچه می‌خواست می‌توانست بنویسد.

۵-۴. نقطه و اعراب

اختراع نقطه در خط نکته بزرگ علمی بوده که خط را آسان و مختصر کرده که یک شکل به اختلاف نقطه بالا و پایین حرف دیگر خوانده می‌شود. اگر متعلم یک شکل ب را یاد بگیرد درواقع سه حرف دیگر (پ ت ث) هم آموخته که با ب تنها در نقطه فرق دارند همچنین در ج چ ح خ که همه یک شکلند و هکذا حروف دیگر و چنین خوبی در هیچ خط قدیم و جدید دنیا نیست که صرفه در شکل شده باشد که برای مبتدی و طبع مفید است. در خط لاتین دو حرف (i-j) نقطه بر بالا دارند اما چون شکل آن‌ها اشتباه به هیچ حرف دیگر نمی‌شود. پس نقطه آن‌ها برای صرفه نیست و نشان می‌دهد که خط لاتین اصلی نیست بلکه از خط دیگری تقلید شده که در آن نقطه برای صرفه بوده.

برای اعراب خط خودمان سه شکل (زیر و زبر و پیش) داریم اما هیچ‌وقت نمی‌نویسیم و نتیجه این شده که بسیاری از الفاظ را حتی فصحا غلط تلفظ می‌کنند، اگر ما رجوع به کتب لغت بکنیم می‌فهمیم که تلفظ بسیاری از الفاظ ما غلط است. دُرْخیم را که با ضم اول است با کسر اوّل می‌گوییم و دژ را که با فتح اول است با کسر اوّل می‌گوییم. ترجمه را که با فتح جیم است با ضم آن می‌گوییم و نُثار را که با ضم اوّل است با کسر اول تلفظ می‌کنیم و هکذا صدها الفاظ فارسی و عربی. اگر اسم یک ده ایران را در کتابی ببینیم نمی‌توانیم صحیح تلفظ کنیم مگر اینکه به آن ده رفته باشیم یا از کسی که می‌داند شنیده باشیم. در جراید و کتب ما نام‌های غیر ایران بسیار می‌آید و ما نمی‌توانیم هیچ‌کدام را درست بخوانیم. من حروف چاپ خط داعی را معرب قرار دادم و هر حرفی که اعراب ندارد باید ساکن خوانده شود. در فارسی بعضی الفاظ عربی با دو زبر هم هست

مثل ایضاً مجازاً از این جهت یک شکل دو زیر هم اضافه نمودم و برای زبان عربی شکل دو پیش و دو زیر هم اضافه می‌شود و برای [خط] اردو یک یای معکوس (ے) باید اضافه شود و برای ٹھ و ڈ و ڑ و ڑ و ڑ های مختلفی اضافه لازم نیست بلکه برای تمیز الف همزه روی آن حروف نهاده می‌شود. اگر خط داعی هم رواج نیابد لازم است دولت ایران طبع خط بی‌اعراب را جرم قرار دهد تا به تدریج تلفظ الفاظ ما صحیح شود و در تمام نقاط ایران یک‌طور تلفظ شود و از تغییر زبان جلوگیری شود. اکنون الفاظ یک کتاب یا روزنامه را که اعراب ندارد اهل هر جایی مطابق تلفظ خودش می‌خواند اصفهانی‌ها عاشق کسره‌اند و شیرازی‌ها عاشق فتحه. اعراب واقعی آن حرف هر چه باشد یک اشکال مهم من در تألیف فرهنگ نظام، پیدا کردن تلفظ صحیح حروف الفاظ فارسی است. هر کدام که در اوستا و سنسکریت ریشه دارد تلفظش به دست می‌آید و آنچه ندارد تلفظ طهران را ضبط می‌کنم اما خدا می‌داند تلفظ اصلیش چه بوده.

امیدوارم از این رساله من تصدیق کنید که خدمت بزرگی به علم سه زبان فارسی و عربی و اردو کردم و در واقع یک نتیجه زحمت پنجاه‌ساله علمی من است. این رساله مجاناً تقدیم می‌شود هر کس می‌خواهد از نزد مؤلف در حیدرآباد دکن یا کتابخانه طهران در خیابان لاله‌زار طهران بطلبد، به شرطی که برای کرایه پست تمبر بفرستد».

۵. بحث و بررسی

املا نویسی به دلیل انتزاعی بودن فعالیتی دشوار است، به همین جهت زبان نوشتاری در سلسله مراتب توانایی‌های زبان

پس از گوش دادن، صحبت کردن و خواندن یاد گرفته می‌شود. یکی از جنبه‌های مهم یادگیری زبان نوشتاری، توانایی نوشتن صحیح زنجیره‌های حروف و املا صحیح واژگان زبان است که به ویژه در مراحل اولیه یادگیری نظام نوشتاری زبان اهمیت ویژه‌ای دارد. املا نویسی و هجی کردن متضمن توانایی یادگیری انطباق بین واج‌ها (اصوات) و حروف مکتوب است (رنجبری و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۴۶-۴۷).

در پیوند و ارتباط با این باور، توماس آرمسترانگ (۲۰۰۳) از میان هوش‌های چندگانه هوش کلامی-زبانی را مهم‌ترین آن‌ها می‌داند. او در کتاب خویش با عنوان «هوش چندگانه خواندن و نوشتن» (*The Multiple Intelligences of reading and writing*) ضمن تأیید و پذیرش نظریه هوش چندگانه گاردنر، در زمینه آموزش، بر هوش زبانی نسبت به هفت هوش دیگر و تأثیر

آن در موضوع سوادآموزی و به‌ویژه توانایی دانش‌آموزان در قرائت و خواندن متن بیشتر از هوش‌های دیگر تأکید دارد و در این مورد به اتحاد و یکپارچگی هوش‌های چندگانه و پردازش ارتباط مغز از طریق نظام عصب‌شناختی با دستگاه گفتار و عناصر مرتبط با سازوکار نظام گفتاری و دیداری در فرایند خواندن و نوشتن می‌پردازد؛ به عبارت دیگر تأکید آرمسترانگ بر این تنوع هوش‌ها به دلیل اهمیت به‌کارگیری همه آن‌ها است؛ یعنی به فراخور توانایی‌ها و پذیرش دانش‌آموزان. از دید آرمسترانگ، معلمان و افرادی که در امور آموزش دخیل هستند، نباید با کاربرد اصطلاحاتی مانند اختلال در یادگیری یا کندذهنی، برخی ضعف‌های شیوه‌های تدریس را نادیده بگیرند و یا در تغییر آن اقدام نکنند. هدف نهایی او ایجاد تحول در شیوه‌های آموزشی است. مانند استفاده از امکان نقاشی، موسیقی و به‌کارگیری مهارت‌های حرکتی، منطق ریاضی و هندسی در آموزش مباحث زبانی از جمله در خواندن و نوشتن است، به عبارتی فعال‌سازی یا به‌کارگیری و توجه به هوش‌های چندگانه و توانایی‌های دانش‌آموزان در امر آموزش و یادگیری است (Armstrong, 17-21, 11-12). مثال دیگر آرمسترانگ به‌کارگیری نقاشی و تصویرسازی با حروف و نمادهای الفبایی است (ibid: 44). گاردنر معتقد است هر فرد درجات مختلفی از هفت شکل اولیه هوش‌های زبانی، منطق-ریاضی، بدنی-جنبشی، فضایی-بصری، موسیقایی، درون‌فردی و بین‌فردی را دارا است که آموزش مناسب در تقویت هرکدام مؤثر است (رنجبری و همکاران: ۴۹). در پژوهش‌های مربوط به بررسی هوش کلامی-زبانی و مهارت خواندن و نوشتن کودکان انگلیسی‌زبان، شیوه‌های تصویرنگاری از جمله راه‌های فعال‌سازی هوش بصری است. مثلاً با استفاده از شکل حروف الفبا مثل حرف «A» و با نقاشی روی آن ابتدا شکل دودکش، سپس پنجره و در آخر تصویر خانه‌ای ترسیم می‌شود و به این ترتیب، پیوند نمادهای الفبایی نوشته شده و نیز تصاویر و ارتباط این دو، در فعال‌سازی هوش زبانی مؤثر واقع می‌شود (Armstrong, 11-12)؛ این مورد مانند همان نکته‌ای است که برای داعی‌الاسلام در آموزش خط فارسی به فرزندش مورد توجه قرار گرفته بود؛ یعنی استناد و تکیه به دیدگاه‌های روان‌شناختی در فرایند آموزش به فرزندش و شیوه‌های آن، که شامل کاربرد تخته‌های آموزش که حروف الفبا بر روی آن‌ها نوشته شده است. در نتیجه کودک درحین ساخت دیوار و خانه با حروف نیز آشنا می‌گردد. در اصل آموزش او با به‌کارگیری هوش بصری و مهارت جنبشی-حرکتی و نیز تشویق و پاداش همراه است که همه دلالت بر توجه به احوال عاطفی و روان‌شناختی دارد (داعی‌الاسلام، ۶-۷).

نتایج پژوهش‌ها در به‌کارگیری نظریه گاردنر در تدریس به دانش‌آموزان نشان می‌دهد زمانی که در کلاس درس و در فرایند آموزش درس‌ها، از روش‌های مبتنی بر نظریه هوش‌های چندگانه استفاده شده، میزان یادگیری دانش‌آموزان سیر مثبت فزاینده‌ای داشته است و نیز این نتایج گویای آن است که تنوع در روش‌های آموزشی باعث درک بهتر و انگیزه بیشتر در یادگیری می‌شود (رحیمی و فضیلتی، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۳).

در مقاله صدر امیرجانلو (۱۳۸۱) برای رفع کاستی‌های آموزش خط فارسی به‌کارگیری خط نسخ ساده و کاربرد علایم زیروزبر (اعراب) در همه پایه‌های ابتدایی پیشنهاد و ضروری دانسته شده است (ص ۳۹۴). هرگونه اقدام اصلاحی در خط بدون تجدید نظر در سیاست‌های آموزشی، فرهنگی و ارتباطی میسر نیست. امروزه پایه سواد رایانه‌ای سواد خواندن و نوشتن است که رکن اصلی آن هم خط است (آذرنگ، ۱۳۸۳: ۵-۶).

نتیجه پژوهش میدانی قمری (۱۳۹۴) که بر اساس ارزشیابی خط کتاب اول دبستان بر اساس جامعه آماری از پنج استان تهران، خوزستان، کرمانشاه، زنجان و یزد شامل ۷۲۰ معلم، ۱۶۵ سرگروه، ۸۴۰ دانش‌آموز، در سال ۱۳۹۴ صورت گرفته بود، این بود که رویکرد کتاب فارسی اول دبستان در زمینه خط مناسب نیست. مهم‌ترین دلایل این است که ازسویی استفاده همزمان از سه خط برای خواندن و نوشتن، دانش‌آموزان را دچار دوگانگی و سردرگمی می‌کند و ازدیگرسو، خط تحریری کتاب که مورد تأکید برنامه‌ریزان به‌ویژه در کتاب کار است، دارای اشکالات عدیده از نظر اصول خوش‌نویسی است (قمری، ۱۳۹۴: ۱۶۵-۱۶۶). محتوای پژوهش حیدر قمری از حیث رویکردهای روان‌شناختی شباهت‌هایی با رساله خط داعی دارد.

نتیجه تحقیق میدانی رنجبری و همکارانش نیز در ۱۳۹۲ش تأییدی بر موضوع نوسازی و تغییر در شیوه‌های آموزشی در آموزش خواندن، نوشتن و املا است. آزمون دیکته با توجه به تغییرات ایجاد شده در کتاب‌های پایه سوم دبستان نشان داده است که کاربرد خط نسخ در حروف‌نگاری کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی از نظر آموزشی بهترین گزینه است (رک: رنجبری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵؛ ۵۱-۵۲؛ ۵۵-۵۷) و این به معنای پاسداشت و آموزش این میراث هنری است. می‌دانیم که هنر خوش‌نویسی با شعر و ادب فارسی پیوندی دیرینه و استوار دارد و ادیبان و شاعران سروده‌های خود را با ابزار خط در اختیار مخاطبان قرار می‌داده‌اند و خوش‌نویسان نیز اشعار شاعران را به‌عنوان ماده هنر خود به‌کار می‌گرفته و هنر خوش‌نویسی را از طریق کتابت آن در

معروض دید دستداران این هنر قرار می‌داده‌اند؛ از این رو شاعران فارسی زبان هم خود خط فارسی را نیکو می‌نوشتند و هم با اصطلاحات و ابزارهای این هنر کاملاً آشنا بودند (رک: میرباقری فرد، ۱۳۸۴: ۲۷۹-۲۷۸) رابطه خط فارسی و خوش‌نویسی از گذشته‌های دور تاکنون، همواره پایدار بوده است و مانند برخی کشورها دچار انفصال نشده است؛ مانند انفصال میراث تمدن و فرهنگ و ادب دولت عثمانی با گذشته خود که به تدریج ارتباط با مستندات ادبی و مکتوب آن سرزمین، با تغییر خط از عربی به لاتین، قطع شد. اقدامی که مصطفی آتاتورک، پایه‌گذار جمهوری ترک بانی آن بود و در ۲۱ صفر ۱۳۴۷ق/ ۹ اوت ۱۹۲۸م حروف لاتین را به جای حروف عربی که قرن‌های دراز مورد استفاده جامعه ترک بود، متداول ساخت (مولوی، ۱۳۷۵، ج ۱/ ۸۸)؛ اما در سرزمین ایران، ارتباط با میراث کهن همچنان به قوت خود باقی است.

۱-۵. مقایسه شباهت موضوع رساله خط داعی با برخی پژوهش‌های امروزی

مطابق رای داعی‌الاسلام، تسهیل فرایند خوانش خط در آموزش‌های اولیه، به نوآموزان، کمک می‌کند که میزان مطالعه آنان به لحاظ کمی بالتر رود و نتیجه آن افزایش علم اندوزی خواهد بود. رویکرد داعی‌الاسلام و دیدگاهی که در رساله خود درباره کاربرد نوع خط آموزش فارسی به مبتدیان داشته، به شیوه‌های جدید آموزشی بر اساس رویکردهای روان‌شناختی و توجه به توانایی‌های فردی آنان شباهت دارد که در مقاله‌های پژوهشی امروزی در ایران نیز مطرح بوده است؛ نظیر پژوهش میدانی حیدر قمری که در تحقیق خود، استفاده همزمان سه خط تحریری، نسخ و شبه نستعلیق را در حوزه آموزش به دانش‌آموزان مبتدی، در خواندن و نوشتن نامناسب و دشوار دانسته است؛ و خط نسخ را به دلیل سادگی آن به‌تنهایی برای آموزش مناسب و مرجح دانسته است؛ و یا صدر امیرجانلو در پژوهش خویش، برای رفع کاستی‌های آموزش خط فارسی، به‌کارگیری خط نسخ ساده و کاربرد علایم زیروزبر (اعراب) را برای دانش‌آموزان مبتدی پیشنهاد کرده و ضروری دانسته شده است (ص ۳۹۴). در مطالعات اشاره‌شده در زمینه آموزش خط فارسی به مبتدیان، تفکیک گونه هنری خط (خوش‌نویسی) و خط ساده پیشنهاد شده است؛ همان‌طور که کلام ادبی، گونه هنری و مصنوع زبان است (حق‌شناس، ۱۳۸۲) خوش‌نویسی را نیز بهتر است گونه هنری رسم‌الخط دانست. پژوهش‌های میدانی و کتابخانه‌ای نشان داده که کاربرد خط نسخ در حروف‌نگاری کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی از نظر آموزشی بهترین گزینه است و

آموزش خط‌های خاص خوش‌نویسی بهتر است به دوره‌های بالاتر آموزشی مokol گردد یا رشته تخصصی دانشگاهی (میان‌رشته‌ای ادبیات و هنر) شود.

نتیجه‌گیری

مدافه داعی‌الاسلام در تألیف رساله پژوهشی‌اش و ایده او در خط پیشنهادی برای تسهیل در فرایند آموزش به کودکان و مقایسه آن با تحقیقات میدانی امروزی، همسویی دیدگاه محققان و دلسوزان مسائل زبان فارسی را از گذشته تاکنون بازگو می‌کند. حاصل تحقیق آنان در یک راستا بوده، به عبارتی، اصل و هدف و محتوی پژوهش یکی بوده است؛ فقط با اختلاف زمانی نزدیک یک قرن. شاید این نکته حامل این پیام باشد که خط فارسی کنونی نیاز به تغییر ندارد و تنها با اصلاح رویکردهای آموزشی باید به بومی‌تر شدن آن اندیشید.

در پاسخ به سؤال پژوهش، نوآوری و تغییر در شیوه رسم‌الخط آموزشی فعلی در مقطع ابتدایی باتوجه به پیشنهاد داعی‌الاسلام و آموزش آسان خط ساده نسخ و نیز حروف‌نگاری کتاب‌های خواندن و نوشتن فارسی دوره ابتدایی، مانند حروف‌نگاری کتاب‌های سایر دروس، می‌تواند سودمند باشد.

باتوجه به اهداف آموزش استاندارد، بهتر است که میان گونه هنری خط (خوش‌نویسی) و خط ساده تمایزی قائل بود؛ همان‌طور که کلام ادبی را گونه هنری و مصنوع زبان می‌دانیم، خوش‌نویسی را نیز باید گونه هنری رسم‌الخط دانست و بهتر است در مقاطع بالاتر تدریس شود. از طرفی نمی‌توان نتایج تحقیقاتی که بر اساس نظریه روان‌شناختی هوش‌های چندگانه هوارد گاردنر در ایران که در حوزه آموزش به کودکان انجام گرفته از نظر دور داشت. بازنگری، بررسی اعمال تغییراتی در حروف‌نگاری برخی متن‌های کتاب‌های درسی (شعر و نثر) دوره ابتدایی و به‌کارگیری قلم نسخ ساده بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، از گذشته تاکنون درخور توجه و تأمل است. بهتر است در مباحث تکمیلی، یا در دوره‌های آکادمیک سرفصل‌هایی برای آموزش تفاوت انواع خط‌های هنری از قبیل تعلیق، نسخ، نستعلیق، ثلث، رقاع، ریحان، کوفی، ثلث آموزش داده شود. وجود میراث مکتوب سرزمین ما در کتابخانه‌های دنیا خبر از آن دارد که آشنایی با انواع خطوط خوش‌نویسی نیاز به تعلیم و آموزش‌هایی تخصصی (دانشگاهی) دارد، به‌همان ترتیب که یکی از جنبه‌های شناخت نسخه‌های خطی و لازمه بررسی آن‌ها در تصحیح متون، آشنایی با این خطوط خوش‌نویسی است.

یادداشتها

- ۱- جهت امانت‌داری گونه نوشتاری فارسی (شبه‌قاره‌ای) و سبک آن حفظ شده است (نویسنده).
- ۲- در حروف‌نگاری حروف بی‌نقطه از محصول نرم‌افزاری «فونت بی‌نقطه» در سایت «تاریاد» بهره گرفته‌ام. این سایت آموزشی به‌کوشش آقای کمال بهرنگ، مدیریت می‌شود. او معلم نمونه سال ۱۳۹۰ و صاحب رتبه اول استانی جشنواره الگوی برتر تدریس ابتدایی، گروه مشکلات یادگیری در سال ۱۳۹۵ در کردستان، میوان بوده است.

منابع

کتاب‌ها

- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۲). *مرز میان زبان و ادبیات کجاست؟؛ زبان و ادب فارسی در گذرگاه سنت و مدرنیته*. تهران: انتشارات آگه.
- داعی‌الاسلام، سید محمدعلی (۱۳۵۲ق / ۱۳۱۲ش). *رساله خط داعی*. حیدرآباد دکن: اعظم استیم پریس.
- دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۹). تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

مقالات

- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۸۳). «سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و ارتباطی و اصلاح خط فارسی»؛ *نامه پارسی*، س نهم، ش ۳، پاییز: صص ۵-۱۴.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۵). «چند پیشنهاد دیگر برای اصلاح خط فارسی»؛ *نگاه نو*، ش ۲۸، اردیبهشت: صص ۱۰۱-۱۱۸.
- امامی، کریم (۱۳۷۱). «لزوم بازنگری در شیوه نگارش خط فارسی»؛ *آدینه*، ش ۷۳-۷۴: صص ۱۸-۱۹.
- امیرتیموری، محمدحسن (۱۳۸۲). «نشریه تعلیم و تربیت»، زمستان، شماره ۷۶: صص ۳۳-۶۶.
- بهمنیار، احمد (۱۳۲۲). «املائی فارسی پیشنهاد به مقام فرهنگستان»؛ *نامه فرهنگستان*، س اول، آبان: صص ۴۲-۶۶.
- رحیمی، سعید و منصوره فضیلتی (۱۳۹۵). «کاربست نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر در آموزش و یادگیری»؛ *نشریه رویش روان‌شناسی*، شماره ۱۶، پاییز: صص ۵-۳۰.

- رنجبری، فهیمه و همکاران (۱۳۹۲). «اثر بخشی آموزش مبتنی بر هوش‌های چندگانه گاردنر بر میزان خطاهای املائی دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری پایه سوم ابتدایی شهر اصفهان»: *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، دوره ۲، ش ۴، تابستان: صص ۴۵-۶۰.
- روحانی، رضا (۱۳۸۹). «مشکل پیوسته‌نویسی و امتیاز نزدیک‌نویسی در املائی ترکیبات فارسی»: *گوه‌رگویا*، ش ۱۵، پاییز: صص ۸۵-۱۰۸.
- ستایش، حسن (۱۳۸۹). «یای میانجی در رسم‌الخط فارسی»: *بهار ادب*، س ۳، ش ۸: صص ۲۰۱-۲۲۰.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۴۷). «نظری به خط خوش فارسی»: *هنر و مردم*، دوره جدید: صص ۲۷-۳۳.
- شعار، جعفر؛ مقربی، مصطفی و همکاران (۱۳۵۶). «شیوه خط فارسی برای کتاب‌های درسی و انتشارات آموزشی»: *آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)*، دوره چهل و هفتم، مهر، ش ۱: صص ۹-۱۷.
- شهری، محمد (۱۳۷۶). «نقدی بر رسم‌الخط کتاب‌های درسی»: *آینه پژوهش*، ش ۸: صص ۵۹۳-۵۸۸.
- صدر امیرجانلو، اصغر (۱۳۸۱). «کاستی‌های خط فارسی و پیامدهای آن در آموزش زبان فارسی»: *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، تابستان و پاییز، س ۴۹، ش ۳ و ۲: صص ۳۹۳-۴۰۸.
- صنعتی، محمد (۱۳۷۱). «دشواری‌های زبان فارسی با کامپیوتر»: *آدینه*، ش ۷۲: صص ۵۶-۵۷.
- فرادی، عبدالله (۱۳۴۸). «وضع قلم نستعلیق و سیر خوش‌نویسی»: *مجله کاوه (مونیخ)*، ش ۷: صص ۴۱-۴۶؛ صص ۱۴۱-۱۴۷.
- قمری، حیدر (۱۳۹۴). «ارزشیابی خط کتاب فارسی اول دبستان»: *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۱۲۱: صص ۱۴۱-۱۷۲.
- کابلی، ایرج (۱۳۷۴). «یک اقدام لازم برای یکسان‌شدن شیوه ویرایش کتاب‌های درسی»: *آدینه*، ش ۱۰۳، مرداد: صص ۵۶-۵۸.
- متینی، جلال (۱۳۷۴). «زبان و خط ما»: *ایران‌شناسی*، ش ۷: صص ۲۳۵-۲۵۱.

- مقربی، مصطفی (۱۳۷۵). «شیوه خط فارسی»؛ هژده گفتار: صص ۱۸-۳۷.
- مولوی، محمد علی (۱۳۷۴). «آتاتورک دایره‌المعارف بزرگ اسلامی»؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد اول،
دایره‌المعارف بزرگ اسلامی: صص ۸۵-۸۸.
- میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۸۴). «شعر پارسی و خط»؛ سیر خط و کتابت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: صص ۲۶۷-۲۸۵.
- نیساری، سلیم (۱۳۹۲). «تاریخچه کاربرد اصطلاح دستورخط فارسی»؛ یادنامه (زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد دکتر سلیم نیساری): صص ۷۳-۷۵.
- هادی، عبدالله (۱۳۷۴). «درباره تغییر خط فارسی»؛ ایران‌شناسی، ش ۷: صص ۷۱۰-۷۱۳.
- همایون‌پور، هرمز (۱۳۸۵). «شیوه خط فارسی»؛ ش ۱۵: صص ۱-۵.

منابع لاتین

- Armstrong, Tomas (2003), *The Multiple Intelligences of reading and -writing*,
Virginia, Alexandria.
- Gardner, Howard (1983), *Frames of Mind: The Theory of Multiple -intelligences*, New York, Basic Books.